فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره هفتم (تابستان ۱۴۰۰)

ارتباط موثر و تعامل آمیز معلم با دانش آموزان در راستای شیوه های نوین مدیریت کلاس درس با رویکرد تربیتی آموزشی

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۵/۲۰)

مـــــراد منصـــوری

چکیده

مدرسه روابط انسانی را که موجب ایجاد تعادل فکری در فرزند می‌شود ترغیب می‌کند و به دانش‌آموزان این احساس را می‌بخشد که متعلق به گروه معینی هستند و در این گروه نقش مهمی دارند. در کلاس‌هایی که در آن روابط انسانی درست وجود دارد، محیط مطلوبی ایجاد می‌کند که دانش‌آموزان در داخل آن شکوفا می‌شوند و معلم که بیش از هر شخص دیگری در ایجاد روابط انسانی نیکو مؤثر است، باید به گونه‌ای باشد که درسایه تعادل احساساتی خویش، با دانش‌آموزان تفاهم پیدا کند. معلم باید بتواند ارتباطی سالم و دو طرفه برقرار نماید، تا سبب تبادل افکار و احساسات شده و در قبال آن به انتقال مفاهیم و دانش مورد نیاز دانش‌آموزان بپردازد و آنها را در فرآیند یادگیری راهنمایی نماید و این برقراری ارتباط مؤثر جز با مدیریت اثربخش و توانای معلم ممکن نخواهد شد. در این مقاله سعی شده است ارتباط موثر و تعامل آمیز معلم با دانش آموزان در راستای شیوه های نوین مورد بررسی قرار گیرد، زیرا همه‌ی جوامع انسانی انتظار دارند که مدرسه در کودکان آنان تغییرات مثبتی ایجاد نماید تا آنها قدرت استدلال، نقادی و حضور در جامعه را پیدا نمایند. بنابراین معلم به مثابه برنامه‌ریز نظام کلاس درس باید با توانایی، دانایی و خلاقیت خاص خود فراگیران را یاری دهد تا در امور مختلف زندگی موفق باشند.

واژگان کلیدی: تدریس، آموزگار، معلم، مدیریت کلاس، تنبیه و تشویق دانش آموز

بخش اول: کلیات

معلم نقش مهمی در سلامت فکری و روانی دانش آموزان دارد. به طوری که مطالعات نشان داده است دانش آموزان معلمان متعادل، از تعادل روانی و آرامش بیشتری برخوردارند. فاندرز در تحقیقی بر روی ۱۹۶۵ دانش آموز در مورد اثر رفتار معلم روی دانش آموزان مطالعه و مشاهده کرد که در بسیاری از موارد رفتار غیرمستقیم معلم مانند جایزه دادن، قبول عواطف دانش آموز و ... موثرتر از رفتار مستقیم مانند سخنرانی، بحث و... است. آنچه در ارتباط بالغ کودک مهمترین موضوع محسوب می شود، کیفیت فرآیند آن است. کودک مستحق دریافت پیامهای سالم از بالغ است. سلامت روانی بستگی به این دارد که شخص به واقعیتهای درونی خویش اعتماد کند. چنین اعتمادی در فرآیندهای خاصی تولید می شود که ما در اینجا نمونه ای از این اصول را ذکر می کنیم. یکی از اصولی که آن را اصل اساسی ارتباط می نامیم بیانگر این است که معلم موفق کسی است که به موقعیت دانش آموز توجه می کند و معلم ناموفق آن است که منش و شخصیت دانش آموز را مورد قضاوت قرار می دهد. تفاوت اصلی میان ارتباط مؤثر و نامؤثر همین است. به عنوان مثال دانش آموزی فراموشی می کند کتابی را به کتابخانه برگرداند که معلم موفق در برخورد با چنین دانش آموزی می گوید: موعد امانت تمام شده و کتاب باید به کتابخانه برگردانده شود. اما معلم ناموفق در این نوع ارتباط می گوید: تو خیلی بی مسئولیتی و همیشه تأخیر داری؟ و ... یعنی این که معلم با منش و شخصیت دانش آموز برخورد می کند و موجب عدم تعادل روحی و فکری و عدم ارتباط صحیح و منطقی میان خود معلم و دانش آموز می گردد و بر همین اساس باید همیشه درباره موقعیت صحبت شود نه درباره شخصیت دانش آموز. منظور از مدیریت کلاس درس،[۱] طیف وسیعی از تکنیک‌ها و روش‌هایی است که برای تسهیل در امر آموزش، بالا بردن مدت زمان یادگیری، ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان و خلل آفرین و حاکمیت نظم و انضباط

۱. Classroom Management

بر کلاس، به کار برده می‌شود. این تکنیک‌ها متضمن مهارت‌های ارتباطی، مدیریتی و تدابیر آموزشی است (مشایخی، ۱۳۸۳). برخورد معقول با نظام اجتماعی کلاس، تسلط در طراحی آموزشی، توجه به تفاوت‌های فردی و آمادگی برای تدریس قبل از ورود به کلاس از جمله عوامل مهم و مؤثر در رسیدن به هدف‌های تربیتی به شمار می‌آیند. در این میان مدیریت کلاس درس از اهمیت بسزایی

برخوردار است و عواملی از قبیل تنظیم برنامه درسی، سازماندهی مراحل کار و منابع، سازماندهی به منظور افزایش کارایی، نظارت بر پیشرفت دانش‌آموزان و پیش بینی احتمالی را شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۷۱). دیوک، مدیریت کلاس را تهیه تدارکات و اتخاذ شیوه‌های لازم برای ایجاد و حفظ محیط اثر بخش تعریف می‌کند. (دیوک، ۱۹۸۰).

بخش دوم: عناصر مؤثر بر مدیریت کلاس

۱ـ برنامه‌ریزی: معلمانی که طرح را به صورت صریح و روشن بیان می‌کنند و به اجرا در می‌آورند، برنامه‌ریزان موفقی هستند و ارزش آن را درک می‌کنند. (والش،[۱] ۱۹۹۲).

۲ـ وضع قوانین ساده و مؤثر: هدف قوانین مدرسه و کلاس، افزایش پیشرفت اجتماعی وعلمی دانش‌آموزان است (کانجلوسی،[۲] ۱۹۹۰). معلمان به فراگیران یاد می‌دهند که چطور به قوانین عمل کنند وعمل به آن را ادامه دهند.

۳ـ بازخورد مثبت در آغاز کار: معلمان موفق شیوه‌های تدریس و کنترل کلاس را در آغاز سال تحصیلی با دانش‌آموزانشان به بحث وتبادل نظر می‌گذارند و فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند تا دانش‌آموزان قوانین را با سؤال در مورد آنها خوب بفهمند.

۱. Walsh

۲. Cangelosi

۴ـ جهت‌دهی روشن و واضح: این نکته یکی از مهم‌ترین عملکردهای معلم است (لانگ،[۱] ۱۹۸۵). اگر چه جهت‌دهی‌های آموزشی یا روش‌های کلاسی باید مختصر و واضح باشند ولی با توجه به اهمیت آنها باید مثبت باشند. جهت دهی منفی باعث ایجاد روحیه شکست در دانش‌آموزان می‌شود.

۵ـ تصویرسازی، سازمان‌دهی و کنترل کلاس: دو جنبه در مرتب سازی کلاس از همه مهم‌تر است الف) توانایی و تسلط دید معلم به طوری که همه‌ی دانش‌آموزان را در هر زمان ببیند ب) بهبود وضعیت رفت و آمد در کلاس تا معلم بتواند به سادگی با حرکت به موقع از بسیاری مشکلات جلوگیری کند. بنابراین بهتر است نیمکت‌ها بصورت (U) شکل یا دایره‌ای چیده شوند.

۶ـ ثبت نمرات و امتیازات: هر معلمی این وظیفه را دارد و معلم برای منصف بودن، منطقی بودن و با ثبات بودن نیازمند به روش منظم برای ثبت و نگهداری اطلاعات و نمرات دارد. (نصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲).

بخش سوم: اصول مدیریت کلاسی

۱ـ امکان فعالیت‌های یادگیری معنادار را فراهم سازید: یک عامل مهم برای پیدا کردن فعالیت‌های با معنا بدست آوردن اطلاعات لازم از دانش‌آموزان، علاقه‌ها، روش فکری ومیزان آمادگی آنان است.

۲ـ کلاس را به محیط حمایت کننده تبدیل کنید: کلاس باید محیطی باشد که در آن، به نیازهای زیستی، ایمنی، تعلق و احترام به نفس در حد اعلای ممکن پاسخ داده شود.

۱. Lang

۳ـ برای یادگیری موفقیت‌آمیز، فرصت‌های لازم را فراهم آورید: همه‌ی دانش‌آموزان باید امکان تجربه موفقیت رادر کلاس داشته باشند، این تجربه ممکن است از سهیم‌شدن در کار تا پیشرفت در درسی خاص تغییر کند.

۴ـ به دانش‌آموزان کمک کنید، هدف‌های مربوط به اصلاح خود را تعریف کنند: هدفهایی که دانش‌آموزان انتخاب می‌کنند در رفتار موفقیت‌آمیز آنان تأثیر دارد. احتمال بروز رفتارهای سازنده و دانش‌آموزانی که هدف‌های مربوط به اصلاح خود را دنبال می‌کنند، بسیار بیشتر از آنهایی است که فقط در پی هدف‌های عملی کلاس هستند.

۵ـ درباره‌ی نتایج کار، اطلاعات لازم را در اختیار دانش‌آموزان بگذارید: گفتن نتایج کار توسط معلمان، با موفقیت دانش‌آموزان رابطه نزدیک دارد. زیرا آنها درباره‌ی خود و رابطه با کارهایشان داوری می‌کنند و کارهایشان را تحلیل می‌کنند.

۶ـ دانش‌آموزان را در تص‌میم گیری شرکت دهید: دانش‌آموزان نیاز دارند که احساس کنند در مورد کارهایی که انجام می‌دهند مختارند، اگر مدیریت کلاس ضعیف باشد، آنها احساس می‌کنند که در مورد یادگیری خود اختیار ندارند.

۷ـ برای روزهای «بد» برنامه‌ریزی کنید: گاهی موفق‌ترین معلمان نیز با وجود برنامه‌ریزی از تدریس باز می‌مانند، در این صورت با یک پیش برنامه کلی و با معنا برای مواقع اضطراری می‌توان دانش‌آموزان را کاملاً مشغول کرد.

۸ـ رفتارهای مناسب را تقویت کنید: با تقویت رفتار مناسب می‌توان از بروز رفتار نامناسب جلوگیری کرد. معیار مدیریت موفق در کلاس پرهیز از مشکلات است نه صرفاً برخورد با رفتارهای نامناسب. (اسماعیلی‌نسب، ۱۳۸۳)

بخش چهارم: چهار قانون مدیریت کلاس

۱ـ آنها را وارد کنید: این قانون سه مرحله دارد. الف) خوش آمد گفتن، معلم با حضور خود قبل از ورود شاگردان نقش میزبان را اجرا می‌کند ب) نشستن، ترتیب نشستن براساس نوع

درس، سن دانش‌آموزان و ماهیت فعالیت آموزشی متفاوت خواهد بود. ج) شروع کردن، شروع درس بطور یکنواخت و بدون معطلی نه تنها به ساعت و ترتیب ورود دانش‌آموزان بستگی دارد، بلکه به آمادگی ذهنی آنان نیز وابسته است.

۲ـ آنها را رها کنید: گری و ریچر[۱](۱۹۸۸) مطرح می‌کنند که «ساختار پایان درس به دنبال احساسی آرامشی که از تمام شدن آن حاصل می‌شود براحتی پایان یافته تلقی می‌شود». بنابراین معلمان باید در مرحله نتیجه گیری از درس وتعطیل کردن، کلاس را مدنظر قرار دهند. زیرا اگر یک جلسه‌ی سودمند، با سر و صدا، هرج و مرج و فشارهایی خاتمه یابد، اثر پایدار تجربه یادگیری مفید از دست رفته و توسعه روابط مطلوب میان معلم و کلاس ضایع می‌شود.

۳ـ پیشرفت در آن: «آن» به بخش اصلی درس، ماهیت، محتوا و سبک ارائه محتوای درس دلالت می‌کند، احساس اعتماد به نفس در شاگردان و شایستگی در موضوع درسی خاص، تا حد زیادی به توانایی معلم جهت پیشروی در درس بستگی دارد. مشکلات یادگیری و مسائل رفتاری حاصل از آن اغلب به دلیل اینکه محتوای درس با توانایی شاگردان مطابقت ندارد، ایجاد می‌شود. از سبک ارتباط مردم با یکدیگر، روابط مثبت توسعه می‌یابد.

۴ـ همگامی با آنان: معلمان روابط شخصی پسندیده با دانش‌آموزان خویش را از طریق پروراندن اعتماد متقابل توسعه می‌دهند. برای اینکه این امر بنحو مؤثری انجام شود لازم است معلمان نسبت به هر دانش‌آموز بعنوان یک فرد، آگاهی داشته و نسبت به کلاس به عنوان یک مجموعه حساس باشند. (صباغیان، ۱۳۷۵)

بند اول: پیام های ناموفق و غیراصولی معلمان در برخورد با دانش آموزان

پیامهای معمولی که معلمان در برخورد با دانش آموزان می دهند به چهار دسته تقسیم می شود:

۱. Gray and Reicher

▪پیام های حاوی راه حل: در این پیامها معلم راه حل مشکل را خودش ارائه می دهد و انتظار دارد دانش آموز خریدار آنها باشد اما دانش آموز ممکن است همانطور که به او دستور داده شده و کاری را که معلم خواسته انجام ندهد طوری انجام دهد که معلم متوجه آن نشود.

▪پیام های حاوی تحقیر: این پیامها که دانش آموز را بدنام می کند از نوع قبلی بدتر هستند. چون شخصیت او را مورد حمله قرار می دهد یا اعتماد به نفسش را جریحه دار می سازد. مثل اینکه معلم به دانش آموز در جمع او بگوید: چرا توی کلاس اینقدر حرف می زنی؟ چطور می خواهی آخر سال قبول شوی و... چنین پیامها و هزاران نوع دیگر که روزانه به گوش دانش آموزان می رسد، نشان می دهد که دانش آموز آدم مسأله سازی است این گونه پیامها و پیامهای حاوی راه حل اجازه نمی دهند که دانش آموز بیاموزد که معلم هم آدم است و دارای نیازها و احساسات انسانی است. لذا پیامهای تحقیرآمیز یا بی ارزش تلقی می شوند و ممکن است موجب بروز تغییر مثبتی در رفتار نشود و دانش آموز در مورد شخصیت معلم نظرات منفی پیدا کند یا به عنوان دلایل بیشتر بر عدم لیاقت خود، از طرف دانش آموز به دل گرفته شود.

▪پیام های غیرمستقیم: اینگونه پیامها از قبیل شوخی کردن، سر به سر گذاشتن و ... است. مثل اینکه امیدوارم بزرگ شدی معلم بشی و گیر یک کلاس صد نفره با شاگردهای مثل خودت بیفتی؟ به دلیل نجابت نسبی این دسته از پیامها برای معلمان وسوسه فرستادن آنها همیشه وجود دارد. اما به ندرت مؤثرند زیرا این پیامها اغلب مورد درک قرار نمی گیرند. حتی وقتی هم بگیرند دانش آموز از طریق آنها می فهمد که معلم صریح نیست بلکه غیرمستقیم و موذی است.

▪ پیام های موفق و اصولی: پیام هایی هستند که به صورت متن پیام است یعنی با من شروع می شوند مثل اینکه اگر دانش آموز وسط حرف معلم شروع به حرف زدن کرد، معلم به صورت صحیح می تواند با پیام من به او بگوید که دوست دارم حرفم را تمام کنم ولی اگر

بخواهد به صورت تو پیام عمل کند به او می گوید که تو خیلی بی ادبی؟ چرا وسط حرف معلم حرف می زنی؟ لذا پیام های موفق که به صورت متن پیام شروع می شوند به دو دلیل می توان پیام مسئولانه نامید: ۱ معلمی که پیام من می فرستد مسئولیت شرایط درونی خود را به عهده می گیرد. ۲ پیام من، مسئولیت رفتار دانش آموز را به عهدهِ خود دانش آموز می گذارد.

بخش پنجم: دیدگاه مدرسه از مدیریت کلاس

۱ـ خود مختاری: بر طبق این نظر، معلمین در رأس امور قرار می‌گیرند و مسؤولیت آنان تعیین دستور و حفظ آن در مدرسه است. آنها تصمیم می‌گیرند و درون یک سیستم نسبتاً جدی از قوانین خوب تعیین شده، دستورات را می‌دهند.

۲ـ آزادمنش: معمولا با نظر قبلی متضاد است مدرسه آزاد، بر آزادی فردی و حق انتخاب تاکید دارد. تهدیدات رایج بر رفتار در حداقل نگه داشته می‌شود. هدف رشد استقلال دانش‌آموز است. آنها می‌توانند خودشان تصمیم بگیرند و مسؤول رفتار خودشان باشند.

۳ـ تغییر رفتار: این مدرسه نظرات روانشناسی رفتار را می‌پذیرد که بر نقش‌های پاداش و تنبیه و کنترل رفتار تأکید دارند. کار معلم تشویق رفتار مطلوب و متوقف کردن رفتار نامطلوب توسط مدیریت با بکار بردن تقویت‌های مناسب است.

۴ـ روابط مابین افراد: هدف بوجود آوردن روابط خوب و مثبت مابین معلم و شاگردان و در میان خود دانش‌آموزان است و ایجاد یک فضای سالم کلاسی است که یادگیری در آن خود به خود بوقوع می‌پیوندد.

۵ـ نظریه علمی : برطبق این دیدگاه آموزش فعالیتی است که می‌تواند مورد بررسی وتجزیه و تحلیل قرار بگیرد. می‌تواند بعنوان روش علمی یا منطق هدف و تحلیل سیستماتیک و سپس ترکیبی از اجزاء مهم‌تر آموزش و یادگیری توصیف شود.

۶ـ سیستم‌های اجتماعی: بر این واقعیت است که مدرسه و کارکنانش یک سیستم جنبی از سیستم وسیع اجتماعی است که بر آن تأثیر می‌گذارند و اثر آن بر رفتار گروهی منعکس می‌شود. بر معلم لازم است که از این اثرات آگاهی شود و آنها را درک نماید تا بتواند موثر کار کند (شاکری و افروخته، ۱۳۷۲)

بخش ششم: الگوهای رهبری اثر بخش در کلاس درس

الف) رهبری آمرانه: معلم، دستور می‌دهد و کمتر مطالب را برای دانش‌آموزان روشن می‌سازد، او برای ارتقای سطح همبستگی و پیوند گروهی دانش‌آموزان کوششی به عمل نمی‌آورد.

ب) رهبری مشورتی یا مردمی: معلم می‌کوشد تا میزان همبستگی بین دانش‌آموزان را افزایش دهد و با عقاید و نظریه‌های آنها درباره هدف‌های یادگیری و شیوه‌های دستیابی به این هدف‌ها آشنا شود.

ج) رهبری مبتنی بر عدم مداخله: معلم هیچ گونه مدیریت و رهبری خاصی در کلاس درس ارائه نمی‌دهد، راهنمایی‌های او مبهم است به سؤال‌های دانش‌آموزان جواب‌های کوتاه و مختصر می‌دهد (ساعتچی، ۱۳۷۵)

جدول نتایج تحقیقات کلاسیک در زمینه سه سبک رهبری (ساعتچی، ۱۳۷۵)

سبک رهبری	میزان بهره‌وری یا دستیابی به هدف‌ها	فضای روانی یا جو سازمانی کلاس از نظر دانش‌آموزان
آمرانه	در آغاز بیشتر از دو سبک رهبری دیگر است	دانش‌آموزان دچار تنش و ترس می‌شوند
مردمی	تقریبا به اندازه سبک رهبری آمرانه است	برای دانش‌آموزان به عنوان لذت بخش‌ترین تجربه شناخته می‌شود

عدم مداخله	کم‌ترین حد در مقایسه بادو سبک دیگر رهبری	کم‌ترین لذت رابرای دانش‌آموزان به همراه دارد.

لوین رهبری را سه گونه معرفی کرده است: رهبری استبدادی[۱]، رهبری بی بند و بار[۲] و رهبری دمکراتیک [۳]. این رهبری به دو صورت می‌تواند در کلاس متجلی شود؛ یا حالت رهبری دلسوزانه و مشفقانه یا حالت بازدارندگی فعالیت‌های آزاد دانش‌آموزان و مزاحمت در مقابل اختیارات آزاد و خلاقیت‌های دانش‌آموزان را به خود بگیرد. (سجادی، ۱۳۷۳) در زمینه مدیریت کلاس تحقیقاتی صورت گرفته و دیدگاه‌هایی پدید امده است که در سه مقوله قرار می‌گیرد:

۱ـ تأکید بر فرد (دانش‌آموز) ۲ـ بوم شناسی کلاس درس و روش‌های مدیریتی گروهی ۳ـ تدریس اثر بخش. طرفداران دیدگاه نخست، روان‌شناسان بالینی و مشاوره‌ای هستند. آنها در جست جوی آنند که علل مسائل رفتاری دانش‌آموزان را دریابند و بر آن اساس اقدامات ویژه‌ای به معلم توصیه می‌کنند. این گروه به عوامل و جنبه‌های گروهی مدیریت کلاس توجهی ندارند دیدگاه دوم به طور مستقیم مساله کنترل کلاس و روش‌های مدیریت گروهی را مورد توجه قرار می‌دهند آنها به همکاری دانش‌آموزان در انجام دادن فعالیت‌های یادگیری توجه دارند (صفوی، ۱۳۷۹).

بخش هفتم: روش تدریس و ویژگی‌های معلم برای تدریس موفق

معلم محیط و امکانات آموزشی را سازماندهی می‌کند، شرایط آموزشی مناسب را به وجود می‌آورد و با شناخت استعداد، علایق و توانایی شاگردان آنان را در طریق صحیح یادگیری هدایت می‌کند. او باید به نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا باشد و خود را راهنما و ایجاد

۱. Autocratic

۲. Laissez Faire

۳. Democratic

کننده‌ی شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال اطلاعات روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد تا دانش‌آموزان در برخورد با مسایل فعال‌تر شوند. (شعبانی، ۱۳۷۲) معلم باید ویژگی‌هایی از جمله ایمان و توکل به خداوند و نظم در کارها- هدف‌داری و اعتقاد به آرمان‌های مقدس - اخلاص و دوری از حب و بعض - داشتن بیان شیوا- داشتن قلم خوب - هدایت‌گری و صراحت گفتار - مدیریت - صبر و بردباری - نشاط و شادابی و آراستگی ظاهر - صداقت - عدالت - قاطعیت و شهامت - انتقاد پذیری و واقعگرایی - عزت نفس و تواضع - مهربانی و گذشت را داشته باشد. (مظفری و همکاران، ۱۳۸۳)

بند اول: راههایی که معلمان برای پیش‌گیری از مشکلات رفتاری در کلاس باید بکار ببرند

۱- نسبت به خود، دانش‌آموزان و آنچه درس می‌دهند احساس راحتی کنند ۲- به ظرفیت و میل باطنی دانش‌آموزان ایمان داشته باشند ۳- اطمینان داشته باشند که فعالیت‌های آموزشی آنان جالب و مفید واقع خواهد شد ۴- فعالیت‌های آموزشی خود را با ظرفیت وتوان دانش‌آموزان هماهنگ سازند ۵- دانش‌آموزان را در تنظی-م و اجرای مقـــررات کلاس درگیـــر و سهیـــم کنـــند. ۶- اطمینان پیدا کنند که شاگردان روش کار آنها را می‌دانند و آن را می‌فهمند. ۷- اوقاتی را که مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، در نظر بگیرند ۸- نشان دهند که دانش‌آموزان خود را قلباً دوست دارند و به آنها احترام می‌گذارند. (پالاردی، ۱۹۸۷).

بند دوم: راه‌های برقراری ارتباط با دانش‌آموزان

- اجتناب از تنبیه شدید ومکرر: معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش‌آموزان داشته باشند، نباید بر تنبیه متکی باشند. معلمان باید چگونگی استفاده از روش‌های انضباطی و تنبیه‌های خفیف را بیاموزند، البته به گونه‌ای که به روابط میان معلم و دانش‌آموز آسیبی نرساند.

ـ اجتناب از شوخی: برخی ازمعلمان در برخورد با دانش‌آموزان بدرفتار از عبارات تمسخر آمیز استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان در این موارد احساس می‌کنند که مورد تهدید واقع شده‌اند. البته فرق نمی‌کند که این شوخی‌ها برای آزمون و کنترل باشد ویا ظاهری دوستانه داشته باشد.

ـ پرهیز از پیش داوری‌های غیر منصفانه: معلم باید تلاش کند تا بین دانش‌آموزان تفاوت نگذارد برخی از دانش‌آموزان بیش از همکلاسی‌هایشان به توجه معلم خود نیاز دارند. بدیهی است که معلم نیز باید روش‌های آموزش و رفتاری خود را متناسب با نیازهای متفاوت دانش‌آموزان سازگار کند، روابط خصوصی معلم با برخی از دانش‌آموزان بسیار زیانبار است زیرا دیگر دانش‌آموزان آن را نوعی تبعیض می‌شمارند.

ـ ابزار علاقه و توجه به دانش‌آموزان: معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می‌رود، به دانش‌آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت، بلکه فقط باید به دانش‌آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می‌برد.

ـ ثبات داشتن و بخشنده بودن: معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند، در رابطه‌ی خود با دانش‌آموزان بسیار موفق هستند. دانش‌آموزان معلمی می‌خواهند که رفتارش پایدار و قابل پیش بینی باشد. دانش‌آموزان نباید شاهد بی ثباتی در رفتار معلم خود باشند. حتی دانش‌آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند، باید بتوانند روز بعد به راحتی به سرکلاس بیایند. (نائینیان و بیابانگرد، ۱۳۸۱).

بند سوم: اجتناب از روابط وابستگی زا

ـ افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش‌آموز : معلم تعهد حرفه‌ای دارد که بدون در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با همه آنها رفتار خوبی داشته باشد. البته مقصود این نیست که معلم باید رفتارهای نا مناسب را در نظر نگیرد، بلکه هدف آن است که رفتار نامناسب دانش‌آموزان نباید باعث قطع روابط محبت آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش‌آموز معلم گردد.

ـ اجتناب از تحسین و تمجید افراطی: اثر تمجید و تحسین آن چنان که از استفاده گسترده آن برداشت می‌شود، ساده و مستقیم نیست. معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می‌کنند، دانش‌آموزان را به وابستگی به خود تشویق می‌کنند و در واقع به آنها القا می‌کنند که تنها هنگامی در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد.

ـ شناساندن عوامل موفقیت و شکست : معلم از طریق ارزش دادن به دانش‌آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می‌تواند آنها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند. (نائینیان و بیابانگرد، ۱۳۸۱).

ـ برقراری روابط انسانی: روابط انسانی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعاملات است که موجب تأمین نیازهای افراد می‌گردد و به عنوان یک نیاز انسانی بین انسان‌هایی که با هم زندگی میکنند پدیدار می‌شود. در نتیجه‌ی برقراری روابط انسانی نتایجی ایجاد می‌شود.

بند چهارم: رهنمودهایی برای ارتباط با دانش‌آموزان

علایق دانش‌آموزان را بیابید، روابط سالم را بین تک تک دانش‌آموزان و بین هر یک از دانش‌آموزان با خودتان و بین دانش‌آموزان و محتوای درس پرورش دهید ـ با دانش‌آموزان احوال‌پرسی کنید ـ در دانش‌آموزان حالت عاطفی سالم پدید آورید ـ زمینه را آماده سازید، نه دانش‌آموزان را به نیازهای زیستی دانش‌آموزان توجه کنیدـ ایجاد انگیزش برای یادگیری ایجاد نمایید ـ از زبان مناسب برای تدریس استفاده کنید (شمیم، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

معلمان موفق شیوه‌های خاصی را جهت اداره کلاس بکار می‌برند که برنامه‌ریزی و سازماندهی از نکات اصلی آن محسوب می‌شود. در یک کلاس معلم باید اطلاعاتی از علایق و روش فکری دانش‌آموزان کسب نماید و کلاس را به گونه‌ای اداره نماید که به نیازهای مختلف فراگیران پاسخ داده شود و فراگیران بدون هیچگونه اض‌طراب و یا قوانین سختی به فعالیت بپردازند. در تحقیقات انجام شده در رابطه با سبکهای مدیریت کلاس نشان داده

شده، دانش‌آموزانی که معلمانشان شاگردنگر بوده و توجه به نیازهای گروهی و فردی فراگیران نموده‌اند، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته اند. علاوه بر روشهایی که یک معلم در اداره کلاس بکار می‌برد، باید خود نیز ویژگی‌های از جمله ایمان به خداوند، اخلاص، بیان شیوا، صبر و بردباری، نشاط و شادابی، آراستگی ظاهر، صداقت، عزت نفس و... داشته باشد زیرا هر یک لازمه‌ی موفقیت در امر تدریس ومدیریت کلاس می‌باشد. در ارائه دروس علاوه بر برنامه‌ریزی، طراحی آموزشی و استفاده از روش تدریس مناسب معلم باید نیازها، استعدادها، تفاوت‌های فردی، احترام به شخصیت دانش‌آموزان، پیدا کردن نکات مثبت آنان، تامین بهداشت روانی و... را مورد توجه قرار دهد. اما به گونه‌ای عمل کند که فراگیران در اعمال و رفتار خود به او متکی نشوند. در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی باید گفت نکات قابل توجه در تمجیدی که میان معلم و دانش آموز ایجاد می شود که باید به این موارد اشاره داشت:

- در تمجید، از اعمال مشخص فرد قدردانی کنید و صفات و منش فرد، نباید ارزیابی شود.

- تمجیدی که ارزیابی کند مطلوب نیست. این تمجید چه بسا ناقل این مفهوم باشد به عنوان نمونه با این جمله از سوی معلم به دانش آموز می توان تعبیر کرد: که ما از رفتار خوب شما انگشت به دهان مانده ایم، انتظار داشتیم بدرفتای کنی. کودکان اغلب پیرو این انتظار ما می شوند و رفتارشان را براساس آن تنظیم می کنند.

- تمجید نباید ارزیابی کننده و تکبرآمیز باشد.

- فقط تمجیدی که منش دانش آموز را مورد قضاوت قرار نمی دهد یا شخصیت او را مورد ارزیابی قرار نمی دهد، موقعیت امنی برای وی پدید می آورد تا بتواند بدون احساس ترس خطا کند و بدون احساس اضطراب بر کیفیت عمل خویش بیفزاید.

- قاعده اصلی در تمجید آن است که بدون آنکه ارزیابی کنید به توصیف بپردازید یعنی اینکه گزارش بدهید. قضاوت نکنید. بگذارید خود دانش آموز خودش را ارزیابی کند.

▪ تشویق باید به گونه ای باشد که اعتقاد و باور کودک را نسبت به خودش تقویت کند. تنها کسانی قادر به تشویق کودکند که کودکان را همانگونه که هستند قبول داشته باشند یعنی باید برای پیشرفت تلاش کنید نه برای کمال گرایی.

▪ وقتی تعریف و تمجید از سوی معلم از روی قصد و به صورت شیوه ای برای تأثیر نهادن بر شاگرد برای انجام کار یا رفتار بخصوصی که مورد نظر معلم است؛ انجام می گیرد ممکن است شاگرد آن را به عنوان زورگویی و عدم صمیمت استنباط کند یعنی کاری کند که در درجه نخست به قصد رسیدن معلم به هدفش صورت گرفته است.

▪ در کلاس درس تعریف و تمجید از یک شاگرد یا چند شاگرد بخصوص اغلب به معنای ارزشیابی منفی بقیه است، حتی یک فرد از دانش آموزان که عادت به شنیدن تعریف و تمجید مرتب دارد ممکن است وقتی به صورت اتفاقی از او تعریف نشود، احساس منفی در او ایجاد شود.

منابع و مآخذ

۱. اسپالدینگ، چریل. ال (۱۳۸۱). انگیزش درکلاس درس، مترجمان محمد رضا نائینیان، اسماعیل بیابانگرد، انتشارات مدرس برهان.

۲. اسماعیلی نسب، مریم، (۱۳۸۳). شیوه‌های مدیریت کلاس، مجله رشد معلم، شماره ۴، دی ماه ۸۳.

۳. اسمیت، کولین، جی ولاسلت روبرت (۱۳۷۵). مدیریت مؤثر در کلاس درس (راهنمای معلمان و مدرسان) مترجم زهرا صباغیان انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.

۴. بختیار نصر آبادی، علی و نوروزی، رضا علی (۱۳۸۲). راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم، انتشارات سماد قلم.

۵. براون، جورج (۱۳۷۲). تدریس خرد «تمرین مهارتهای تدریس در مقیاس کوچک» مترجم علی رؤوف، انتشارات مدرسه.

۶. بیانی، فاطمه (۱۳۷۸). منابع قدرت معلم، رشد معلم شماره ۶ اسفند ۷۸.

۷. بیانی، فاطمه (۱۳۷۸). منابع قدرت معلم، رشد معلم شماره ۸ اردیبهشت ۷۹.

۸. تابر، روبرت نی (۱۳۸۳)، الفبای مدیریت کلاس درس، «راهبردهایی برای آموزش اثر بخش» مترجم محمد رضا سرکارآرانی، انتشارات مدرسه.

۹. ردستین، پاملا. آر(۱۳۸۳). روانشناسی تربیتی، ترجمه شهاب الدین مشایخی.

۱۰. روگرز، اسپنس (۱۳۸۱) برقراری ارتباط، ترجمه محمد علی شمیم، رشد معلم، سال ۲۱، شماره ۳، آذر ماه ۸۱.

۱۱. ساعتچی، محمود (۱۳۷۵). روانشناسی کاربردی برای مدیران درخانه، مدرسه و سازمان، مؤسسه نشر ویرایش.

۱۲. شعبانی، حسن (۱۳۷۵). مهارت‌های آموزش و پرورش (روش‌ها و فنون تدریس)، انتشارات سمت.

۱۳. صفوی، امان الله (۱۳۷۱). «مدیریت کلاس»، فصلنامه مدیریت آموزش و پرورش، سال دوم شماره ۴، زمستان ۷۲.

۱۴. صفوی، امان الله (۱۳۷۹). حرفه‌ی معلمی «مدیریت کلاس درس» رشد تکنولوژی آموزشی سال ۱۶ شماره ۲، آبان ماه ۷۹.

۱۵. علیپور، بیژن؛ محمد بیگی، مصطفی (۱۳۷۶). انگیزش تحصیلی، انتشارات دکلمه گران.

۱۶.. فضلی خانی، منوچهر(۱۳۸۲). راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس، انتشارات آزمون نوین.

۱۷. فلمینگ، سی. ام؛ پروس، الیزابت (۱۳۷۳). فرایند تدریس (تجزیه و تحلیل روان‌شناختی و عملی فرایند تدریس)، ترجمه مهدی سجادی، انتشارات تربیت.

۱۸. کوهن، لوئیز؛ مانیون، لارنس (۱۳۷۲) راهنمای عملی تدریس، ترجمه فاطمه شاکری و هما افروخته، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۱۹. مظفری، عباسعلی و همکاران (۱۳۸۳). روابط اجتماعی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.

۲۰. میرکمالی، محمد (۱۳۸۰). روابط انسانی در آموزشگاه. نشر یسطرون.